

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر محمد هاشم "رائق"
۰۵ فبروری ۲۰۲۱

نور خدا

ز آن کوچه گذشتم که همان کوچه ما بود
رفتم به درش تا که شوم داخل آن درب
خواستم که بینم چه باقی است در آنجا
رفتم پی آن نور که آن روشنی از چیست
می دید به حرمان به من زار به حسرت
فریاد بزد و گفت که ای بی وطن زار
این جوریکه به تو رسد از دست نفاق است
دستم نرسید تا که ز دامانش بگیرم
چشمم به هم فتاد در آن گوشه تاریک
لمبیده یکی سقف که آن خانه ما بود
دیدم که درونش همه چون شام سیاه بود
در گوشه ظلمت عجب یک نور صفا بود
دیدم که رخ مادر خوش اختر ما بود
چشمان غم آلود که مملو ز حیا بود
بر بادی تو ما حاصل از جور و جفا بود
گر وحدتی می بود همه خصم فنا بود
از دیده برفت زود که نوری ز خدا بود
دیدم که (رائق) ز همه دور و جدا بود